

جایگاه طنز در سبک زندگی اهل بیت(ع)

مهدی فدایی*
محمدجواد فلاح**

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی جایگاه طنز به عنوان یک سبک رفتاری، در سبک زندگی اهل بیت(ع)، انجام شد و به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال بود که «در سبک زندگی اهل بیت(ع)، طنز از چه قواعدی پیروی می‌کند و چه کارکردهایی دارد؟». روش پژوهش عبارت بود از تحلیل نظری روایات امامان(ع) در باب طنز و رفتارهای طنزگونه آنان؛ نتایج نشان داد که: ۱) طنز مورد توجه آنان بوده است؛ ۲) طنز در سبک زندگی آنان از چند قاعده کلی خارج نمی‌شود (الف. گفتن حقیقت، ب. گفتن عدالت، ج. عدم افراط و تفریط، د. عدم تمسخر و بی‌حرمتی به دیگران و ...؛ ۳) طنز در خدمت چند کاربرد صحیح قرار می‌گیرد (الف. اصلاح درک مخاطب از فرهنگ دینی، ب. تربیت انسان‌ها در حوزه بینش و منش، ج. القای خلق مثبت، د. رشد فضایل اخلاقی، ه. ایجاد ارتباط بین فردی به صورت همسو و مؤثر، و. تألیف قلوب).

واژه‌های کلیدی: شوخ‌طبعی، آموزش اخلاق، تألیف قلوب، کارکردهای طنز، سبک زندگی، اهل بیت(ع)، ویژگی‌های طنز

مقدمه

شوخی طبیعی از هنرهایی است که با کاربرد کلمات و افعال زیبا در موقعیت‌های مناسب، مخاطب را به وجد می‌آورد و موجب خنده و سرور وی می‌شود. شوخی طبیعی در کلام و رفتار، الگویی ارتباطی برای تعامل مؤثر با دیگران شناخته می‌شود. از لحاظ روانی، شوخی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چراکه خلق مردم را بهبود می‌بخشد یا اینکه ناشی از یک خلق مطلوب است و می‌تواند تأثیر عمیقی در شادی انسان داشته باشد (آرگایل، ۱۳۸۲، ص ۹۳). در مکتب انسان‌ساز اسلام نیز شوخی طبیعی یکی از شاخص‌ترین صفات مؤمنان شناخته شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ما من مومن الا و فیه دعابه؛ هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در کردار او شوخی و مزاح وجود دارد» (کلینی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۶۳).

در روایات بسیاری بر صفت شوخی طبیعی مؤمنان تأکید شده است؛ از سوی دیگر، سیره پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) نیز تأییدکننده این روش است. مطایبات پیامبر گرامی اسلام با نزدیکان، اعم از خانواده و صحابه، به گونه‌ای بوده که حتی برخی صحابه ایشان، براساس حاکمیت فضای فکری و فرهنگی زمان جاهلیت، سؤال‌گونه به بذله‌گویی آن حضرت معترض بوده‌اند، ایشان نیز جمله معروف «انی لا اقول الا حقاً» را بیان فرموده‌اند (در مصادر شیعی، این روایت به این بیان آمده است: «ان رسول الله کان یقول: انی لامزح و لا اقول الا حقاً» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۹۸)). سید نعمت‌الله جزایری در کتاب *کشف الاسرار فی شرح الاستبصار* این‌گونه نقل می‌کند: روزی بعضی از بزرگان صحابه گفتند: یا رسول‌الله! تو با ما مزاح بسیار می‌کنی (یعنی این طریقه، مناسب منصب نبوت نیست). آن حضرت فرمود: «ما اقول الا حقاً» (جزایری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۵۶؛ صفی، ۱۳۷۸، ص ۷).

شاید بتوان گفت یکی از منابع جستجوی سنت اخلاق دینی اسلامی (نه اخلاق فلسفی اسلامی) کتاب‌ها، آثار طنز و مزاح و فکاهیات بزرگان دینی است (حلبی، ۱۳۷۷، ص ۳۰). در سیره و سنت اهل بیت (ع)^۱ و نیز کتاب‌های اخلاقی و فقاهتی اندیشمندان مسلمان، استفاده از ابزار طنز به منظور اهداف گوناگون، رواج داشته است.^۲ شاید رشد

۱. راغب اصفهانی در *محاضرات الادباء و ابن‌ابی‌الحدید* در جلد ۵ *شرح نهج‌البلاغه* موارد متعددی از شوخی‌های پیامبر و امامان را ذکر کرده‌اند که سرشار از نکات اخلاقی تربیتی است.
 ۲. ملا احمد نراقی صاحب کتاب *معراج‌السعادة در اخلاق*، اثری منظوم با عنوان طاق‌دیس دارد که بر است از مطایبات و طنزهای ادبی که همه سرشار از آثار تربیتی است.

تفکر صوفیانه و گوشه‌نشینی و دوری از تعامل‌های اجتماعی و رواج نوعی فردگرایی عرفان‌مآبانه در سیر فکری طبقات مختلف مسلمانان، یکی از عوامل اصلی کم‌رنگ شدن شوخ‌طبعی پیامبر باشد. اما آنچه از سبک زندگی اهل‌بیت، به‌ویژه پیامبر گرامی اسلام و نیز سنت روایی ایشان به ما گزارش شده، رواج همراه با اعتدال و زیبایی هنری شوخ‌طبعی است؛ به هر روی، آنچه در این مقاله بررسی می‌شود، عوامل افول این رفتار فرهنگی در میان مسلمانان، به‌ویژه ایرانیان نیست؛ بلکه سعی شده است از زاویه‌ای کارکردگرایانه به مقوله شوخ‌طبعی در سبک زندگی اهل‌بیت پرداخته شود.

در واقع، پرسش اصلی این پژوهش این است که شوخ‌طبعی و مزاح در سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام و اهل‌بیت چه کارکردهایی دارد؟ بر این اساس، با مطالعه روایات اهل‌بیت درباره شوخ‌طبعی و نیز مراجعه به سیره و روش تعامل اهل‌بیت(ع) با دیگران و موقعیت‌هایی که در آن از ابزار شوخی استفاده کرده‌اند، محور مسئله مقاله را بر کارکردهای شوخی به‌ویژه کارکردهای اخلاقی و تربیتی متمرکز نموده‌ایم که بخشی از مباحث و مسائل مستخرج از آموزه‌ها و تعالیم اهل‌بیت(ع) در این زمینه است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، اسنادی کتابخانه‌ای است.

مفهوم شوخ‌طبعی و طنز

تعاریف مختلفی از طنز در گونه‌های مختلف آن شده است؛ اما در این مقاله به اقتضای محوریت سیره رفتاری معصوم و براساس اصطلاحات دال بر طنز و شوخ‌طبعی در روایات اهل‌بیت؛ همچون مطایبه، مزاح و دعابه، مراد ما از شوخ‌طبعی و طنز، هر گفتار و رفتار به ظاهر غیرجدی و بر مبنای لطیفه و مزاح است که نمایانگر واقعیتی جدی و رساننده پیامی اصیل، بدون هنجارشکنی و عبور از اصول و کدهای اخلاقی باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، ص ۲۱). براساس این تعریف، طنز و شوخی مثبت، عملی هدفدار تلقی می‌شود؛ از این‌رو، لهو و هجو، از دایره طنز و شوخ‌طبعی خارج است. این تعریف بر مبنای محتوای شوخی است و شکل و ساختار ادبی شوخی در آن نقشی ندارد.

به نظر می‌رسد هرچند تعریف مذکور بیشتر به مسئله طنز معطوف شده است، می‌توان تعریفی جامع و مانع از شوخ‌طبعی و طنز از مبانی و معارف اسلامی که معصوم(ع) عهده‌دار آن بوده‌اند، ارائه کرد که ابعاد مختلف فردی اجتماعی، عقیدتی و

فکری را دربردارد و می‌تواند به عنوان شاخص معرفی گردد. بررسی مقاله حاضر، برخی از این ابعاد را روشن‌تر خواهد نمود.

قواعد کلی در طنز

هر رفتاری می‌تواند مبتنی بر اصول و قواعدی باشد که زمینه و عامل آن رفتار باشد. در این صورت طنز و رفتار همراه با شوخی که در کلام یا فعل منعکس می‌گردد نیز نمی‌تواند تهی از مبنا یا اصول و قواعد باشد؛ به عنوان نمونه، کسی که همواره بدون در نظر گرفتن جوانب مختلف به شوخی می‌پردازد. به نظر می‌رسد به هیچ قاعده خاصی پایبند نباشد و بدون در نظر گرفتن مسائل مختلف اهل شوخی و مزاح باشد؛ بر این اساس، می‌توان قائل به دو قسم طنز و شوخی آگاهانه و غیرآگاهانه شد که قطعاً نگاه معصوم (ع) نوع دوم را بر نمی‌تابد و آن را مذموم می‌شمارد، زیرا هم به خود فرد ضرر زده و هم زمینه بروز ناهنجاری‌های اخلاقی چون تهمت، غیبت و تمسخر دیگران را فراهم می‌آورد؛ از این رو، می‌توان در منش و گفتار ایشان قواعدی را برای شوخی برشمرد که بیان آن ضروری است. ضرورت این کار، تفکیک مرز شوخی‌های درست و نادرست است. شوخ طبعی دوسویه است؛ هم قدرت تخریب زیادی دارد و هم قدرت تأثیر؛ در واقع، هم نردبان است و هم سرسره؛ از این روست که شناخت و به‌کارگیری برخی قواعد کلی در شوخ طبعی و مزاح به انسان در جهت اثربخشی مثبت آن یاری می‌رساند.

۱. حقیقت‌گویی

یکی از حدود اصلی شوخ طبعی، خارج نشدن از گفتمان حقیقت است؛ از این رو، از شوخی و مزاح آمیخته با دروغ نهی شده است.^۱ مراد از دروغ‌گویی در شوخی و مزاح، این است که در این قالب، امری غیرواقعی را حقیقت جلوه دهیم؛ به گونه‌ای که مخاطب، به واقع جهل داشته باشد. البته این مسئله بیشتر ناظر به شوخی و طنز طبیعی^۲ است، نه طنز مصنوعی و از پیش آماده که در قالب آثار نمایشی و لطیفه و داستان عرضه

۱. امام سجاد (ع) به فرزند خویش می‌فرماید: «از دروغ بپرهیزید؛ چه کوچک باشد چه بزرگ؛ شوخی باشد یا جدی» (کلینی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۳۸).

۲. طنز طبیعی، طنزی است که در لحظه رخ می‌دهد و از پیش آماده و متکی به حافظه یا متن نیست و از تجربیات زندگی واقعی سرچشمه می‌گیرد و ساخته قوه خیال نیست (موریل، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰).

می‌شود؛ زیرا در این موارد، مخاطبان انتظار بیان واقعیت را ندارند؛ بنابراین، به صورت تخصصی از موضوع دروغ خارج است و ادله حرمت دروغ شامل این موارد نمی‌شود.

۲. اصل اعتدال و عدم افراط

در روایات بسیاری، کثرت در مزاح نهی شده است؛^۱ زیرا وقتی شوخی از مرز اعتدال فراتر رود و به افراط کشیده شود، موجب تحقیر و اهانت می‌گردد و طرف شوخی برمی‌آشوبد و در دفاع از آبروی خود و حفظ موقعیتش، به معارضة و برخورد روی می‌آورد. اینجاست که شوخی به کدورت و دشمنی تبدیل می‌شود؛ از این رو، رعایت حدود در شوخ طبعی امری ضروری است؛ در غیر این صورت، موضوعی که قرار است در جهت اصلاح و سرور به کار رود، عامل تخریب شخصیت فرد و موضوعی غیراخلاقی می‌شود.

۳. توجه به محتوا

در دیدگاه اسلامی، شوخی و طنز باید بدون تحقیر، تمسخر، استهزا و دروغ باشد و بر حفظ حریم شخصی انسان‌ها و نداشتن ضرر مالی و جسمی برای آنها تأکید فراوانی شده است. در آیه یازدهم سوره حجرات، مؤمنان از مسخره کردن دیگران نهی شده‌اند؛ چه در قالب جدی باشد یا در قالب طنز و شوخی.^۲

حوزه اخلاق طنز، ناظر به همین بخش است؛ یعنی حدود و مرزهای اخلاقی محتوای طنز را بررسی و تبیین می‌کند. کتاب‌های اخلاقی مانند *محجة البیضاء* وقتی به موضوع شوخ طبعی می‌پردازند، بایدهای اخلاقی در این حوزه را مطرح می‌کنند که جای بحث مستقلی دارد و از بحث ما در این مقاله خارج است.

کارکردهای تربیتی شوخ طبعی در سیره اهل بیت(ع)

شوخ طبعی به عنوان یک قالب رفتاری، علاوه بر اینکه ویژگی‌های اخلاقی

۱. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): كَثْرَةُ الْمِزَاحِ تَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَكَثْرَةُ الضَّحْكِ تَمُجُّ الْإِيمَانَ مَجًّا» (کلینی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۶۵).

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.

اهل‌بیت (ع) است، کارکردهای دیگری نیز در سیره ایشان دارد. اهل‌بیت (ع) با رویکرد محتوایی به شوخی و پرهیز از خنده صرف در این زمینه، از این قالب برای دستیابی به اهداف تربیتی و فرهنگی خویش نیز بهره می‌برند. در اینجا، با مراجعه به سیره و سنت امامان معصوم (ع)، برخی از این کارکردها را بررسی می‌کنیم.

الف) حوزه بینشی

۱. اصلاح درک فرهنگی مخاطب

اهداف دین، در بستر اصلاح درک فرهنگی آحاد جامعه از مسائل دینی و اجتماعی تحقق می‌یابد. جامعه‌ای که درک فرهنگی مناسبی از باورها و منش‌های اخلاقی داشته باشد، بهتر می‌تواند به جامعه هدفی که مد نظر دین است، نائل شود. طنز و شوخ‌طبعی ابزاری است که می‌تواند به ما در زمینه اصلاح درک فرهنگی مخاطب یا جامعه کمک کند؛ در واقع، خصیصه انتقادی بودن طنز در موقعیت‌های مناسب، به تغییر درک مخاطب از موضوع مورد بحث کمک می‌کند و گاه بسیار اثرگذارتر از موقعیت جدی خواهد بود. یکی از مصادیق این الگو، داستان پیرزن و پیامبر گرامی اسلام است: روایت است که پیرزنی که او را «أشجعیّه» می‌گفتند، نزد پیامبر (ص) بود؛ آن حضرت فرمود: پیرزن داخل بهشت نمی‌شود. پیرزن گریست. رسول خدا (ص) فرمود: همانا خداوند متعال می‌فرماید: ما ایجاد می‌کنیم زنان را، ایجاد می‌کنیم پسران؛ و همه را بکر و دختر و دوشیزگان قرار می‌دهیم»^۱ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۴۱۱).

پیامبر گرامی اسلام با استفاده از ابزار مزاح و شوخی، درک فرهنگی مخاطب^۲ (پیرزن) را درباره باور اعتقادی، تغییر می‌دهد و به وی می‌فهماند که در بهشت زنان پیر نیز جوان و سپس وارد بهشت می‌شوند. این توجه دادن پیامبر هرچند مزاح است ولی به مخاطب نیز می‌فهماند که اعمال ما می‌تواند چهره و حقیقت آخرتی ما را شکل دهد و در آن مؤثر است. اگرچه چنین توجه دادن به ابدیت و زندگی اخروی، در قالب طنز و شوخی بیان شده است ولی مبتنی بر کارکردهای تربیتی است و بینش افراد را متأثر می‌سازد. براساس حجیت رفتار پیامبر اسلام و دوری ایشان از لغو و بذله‌گویی

۱. وَ قَالَتْ عَجُوزٌ مِنَ الْأَنْصَارِ لِلنَّبِيِّ (ص) ادْعُ لِي بِالْحِنَّةِ - فَقَالَ إِنَّ الْجَنَّةَ لَا يَدْخُلُهَا الْعَجُوزُ فَبَكَتِ الْمَرْأَةُ فَضَحِكَ النَّبِيُّ (ص) وَ قَالَ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْسَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا.

۲. گریه پیرزن می‌تواند دلالت بر این داشته باشد که وی بر ورود پیرزنها با همان هیئت ظاهری به بهشت باور دارد.

بی‌هدف، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که یکی از کارکردهای طنز و شوخی، تغییر درک مخاطب از باورهایش است. البته این کارکرد وابسته به موقعیت است؛ موقعیت مکانی و شخصیتی مخاطب و فاعل؛ برای مثال، در موقعیت رویارویی با خصم اعتقادی و مناظره با وی، سخن جدی اثرگذار است و کمتر جای طنز و شوخی است؛ هرچند در مقام مناظره نیز می‌توان زیرکانه با استفاده از گفتمانی طنزآلود، مخاطب و خصم اعتقادی را به سمت و سویی هدایت کنیم که بر وی فائق آییم و باور وی را درباره مسئله مورد بحث تغییر دهیم. نمونه‌ای از این الگو در بخش بعدی بیان شده است.

۲. تصحیح باور

یکی از شیوه‌های رویارویی و برخورد غیرمستقیم با مخاطب درباره باور خطای وی، استفاده از شوخی و طنز است. این شیوه در سیره معصومین (ع) مرسوم بوده است. ایشان در برخی موقعیت‌ها، مخاطب را با رفتاری طنزآلود، از خطای اعتقادی آگاه می‌کردند.

تربیت و رشد اعتقادی، مهم‌ترین عامل رشد اخلاقی در جامعه دینی است. پیشوایان معصوم در مقام هادیان جامعه دینی و طبیبان نفوس انسانی، گاه از شیوه طنز و شوخی برای تربیت ذهنی و بینشی مخاطبان و یاران خویش استفاده می‌کردند. نمونه‌ای از این الگو را می‌توان در رفتار امام صادق (ع) در مناظره با زندیقی از مصر مشاهده کرد: «هشام بن حکم گوید: در مصر زندیقی بود که سخنانی از حضرت صادق (ع) به او رسیده بود؛ به مدینه آمد تا با آن حضرت مباحثه کند؛ در آنجا به حضرت برنخورد؛ به او گفتند به مکه رفته است؛ آنجا آمد؛ ما با حضرت صادق (ع) مشغول طواف بودیم که به ما رسید. نامش عبدالملک و کنیه‌اش ابوعبدالله بود. در حال طواف شانه‌اش را به شانه امام صادق (ع) زد. حضرت فرمود: نامت چیست؟ گفت: نامم عبدالملک (بنده سلطان) است. فرمود: کنیه‌ات چیست؟ گفت: کنیه‌ام ابوعبدالله (پدر بنده خدا). حضرت فرمود: این ملکی که تو بنده او هستی، از ملوک زمین است یا ملوک آسمان؟ و نیز به من بگو، پسر تو بنده خدای آسمان است یا بنده خدای زمین؟ هر جوابی بدهی محکوم می‌شوی (او خاموش ماند) ... (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۵۱).

علامه مجلسی ذیل این روایت، برخورد امام صادق (ع) را از نوع مطایبه می‌داند و

معتقد است که امام برای ساکت کردن مخاطب و اقرار گرفتن از وی درباره غیرعقلانی بودن باورش، از این شیوه استفاده کرده است (همان، ص ۵۲). در پایان نیز زندیق تسلیم اسلام شد و ایمان آورد. امام (ع) کاملاً هوشیارانه با یک کلام طنزآلود، رشته سخن را به دست گرفتند و در سخنانی نظام‌وار، بینش مخاطب خود را درباره وجود حق تعالی تغییر دادند و وی را از گمراهی‌های رهایی بخشیدند و تربیت کردند.

در سیره امیرالمؤمنین، علی (ع) نیز استفاده از این شیوه دیده می‌شود. روزی آن حضرت در میان اصحاب خویش فرمود که من در تمام عمر خودم، در حق کسی نه نیکی کرده‌ام و نه بدی.^۱ یاران گفتند: یا علی! ما معنای این سخن را نمی‌دانیم. حضرت فرمودند: هر کسی در حق کسی نیکی کند؛ در واقع، به خود نیکی کرده و هرکس در حق کسی بدی کند، سزای آن به خودش بازمی‌گردد؛ پس در حق خودش بدی کرده است (زلزال، ۹۸-۹۹؛ صفی، ۱۳۷۸، ص ۳۳).

حضرت در عبارتی طنزآلود، به صورت عملی، درک آنها از رفتار اخلاقی را تغییر داده است و کاربستی نتیجه‌گرا را در رفتار اخلاقی به اصحاب خویش یادآور می‌شود؛ به این معنا که در رفتار با دیگران به نیکی عمل کن؛ زیرا نتیجه آن به سود خود فاعل اخلاقی خواهد بود.

ب) حوزه گرایشی (عاطفی)

۱. القای خلق مثبت

یکی از روش‌های القای خلق مثبت و رفع خلق منفی، شوخی است. تحقیقات نشان داده است که شوخی، تأثیری عالی بر خلق و شادی دارد. شوخی، ضمن القای خلق مثبت به فاعل و مخاطب، رویدادهای اضطراب‌آور را کم‌خطر می‌سازد (آرگایل، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷)؛ در واقع، یکی از کارکردهای شوخی در فعالیت‌های اجتماعی، رفع هم و غم از خویش و دیگران است. نقل شده است یک نفر اعرابی، هدیه‌ای برای پیامبر اسلام آورد و پس از دادن هدیه به آن حضرت، تقاضای پرداخت هزینه آن هدیه را کرد که موجب خنده پیامبر شد. از آن پس هرگاه رسول خدا (ص) خسته می‌شدند، می‌فرمودند

۱. در دسته‌بندی طنز، این عبارت امام جزء عبارات شوخی کلامی ابهامی وازگانی شمرده می‌شود.

آن اعرابی را خبر کنید تا مقداری از ما رفع خستگی شود.^۱

یکی از آداب سفر در سنت معصومین (ع)، شوخی کردن با همسفران است. هم و غم انسان، در سفر به دلیل دوری از وطن بیشتر است؛ از این رو، یکی از دستورهای اهل بیت (ع)، گفتمان شوخی و طنز در طول سفر است تا به این وسیله، مقداری از آن هم و غم کاسته شود. این راهکار، در تعامل پیامبر گرامی اسلام با صحابه گزارش شده است: «نقل شده است که روزی پیامبر (ص) به شدت ناراحت بود؛ ناگهان عربی از راه رسید که می‌خواست سؤالی از حضرت بپرسد. اصحاب گفتند: رسول اکرم (ص) امروز به شدت ناراحت است. مرد عرب گفت: به خدا قسم تا او تبسم نکند ره‌ایش نمی‌کنم. [مرد عرب] نزد حضرت آمد و گفت: شنیده‌ام که دجال هنگام ظهور، مقداری آبگوشت برای مردم می‌آورد و مردم از گرسنگی در معرض هلاکت هستند. اگر او را دیدم، آیا از آن غذا نخورم تا بمیرم یا آن قدر بخورم که سیر شوم؛ سپس به خدا ایمان آورم و از دجال بیزاری جویم؟ پیامبر (ص) چندان خندید که دندان‌هایش نمایان شد و فرمود: خداوند مؤمنان را از دجال بی‌نیاز می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۹۵).

در موارد یادشده، شوخی و طنز، از لحاظ روانی و درونی، نیرویی در گوینده و مخاطب ایجاد می‌کند که با القای خلیقات مثبت و زدودن غبار حاصل از منفی‌بافی ذهنی و روانی و حتی خلیقات منفی، انبساط درونی و شادی را برای هر دو طرف ارتباط، به ارمغان می‌آورد.

در اینجا، تذکر این نکته ضروری است که طنزی که آلوده به تحقیر و تمسخر است، هرگز نمی‌تواند انبساط درونی ایجاد کند؛ بلکه موجب انقباض درونی و کدورت طرفین می‌گردد؛ بنابراین، شرط اساسی فعلیت این کارکرد، تحقق راهبردها و اصول اخلاقی در طنز و شوخ‌طبعی است.

گونه دیگری از طنز و شوخی که از انواع مضر آن به‌شمار می‌رود، در برابر کسانی است که نیازمند یاری‌اند. در این وضعیت، با شوخی و طنز نامناسب با محنت‌دیدگان

۱. راوی می‌گوید به ابوالحسن الرضا (ع) گفتم: جانم به قربانت، انسان در اجتماعی می‌نشیند؛ سپس سخنی به میان می‌آید که مزاح می‌کنند و می‌خندند. ابوالحسن گفت: مانعی ندارد، اگر چیزی نباشد. من تصور کردم که منظور آن حضرت، فحش و متلک بود. بعد از این سخن، ابوالحسن الرضا (ع) گفت: یک نفر اعرابی از صحرا می‌آمد و برای رسول خدا هدیه می‌آورد و هنوز از جایش برنخاسته بود که می‌گفت: ای رسول خدا! بول هدیه را لطفاً بپردازید. رسول خدا از سخن او می‌خندید. بعدها هرگاه که رسول خدا غمناک بود، می‌گفت: آن مرد اعرابی چه شد؟ کاش می‌آمد و ما را می‌خنداند (کلینی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۶۳).

نیازمند به کمک، آنها را تحقیر کرده، بر رنج ایشان می‌افزاییم. فرض کنید در حال قدم‌زدن در پیاده‌روی یخ‌زده هستیم و کسی در کنار ما لیز خورده و زمین می‌خورد. در چنین حالتی اگر به این حادثه بخندیم؛ در واقع، این حادثه را ماده‌ی خام شادمانی خود قرار داده‌ایم و او را تحقیر و رنجش وی را بیشتر کرده‌ایم. در نظام‌واره اخلاقی پیامبر اسلام (ص) و اهل‌بیت (ع) طنز نه عامل بازداشتن از هم‌دردی، بلکه برعکس عاملی برای همدردی با مخاطب و رفع گرفتاری وی به شمار می‌رود؛ هرچند به اندازه باز شدن چروک‌های صورت و خندیدن او باشد.

۲. تألیف قلوب

یکی از نعمت‌های الهی به امت رسول‌گرامی اسلام، ایجاد الفت و محبت میان مؤمنان و اقوام مختلف تحت لوای اسلام بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۶). در جامعه دینی، مهم‌ترین عامل برای بقای دین و اهداف آن، گرایش درونی آحاد جامعه به ارزش‌ها و باورهای آن جامعه است. مرکز الفت جامعه دینی، رهبر جامعه است. گرایش و الفت درونی مسلمانان به پیامبر‌گرامی اسلام، مهم‌ترین عامل بقای اسلام و تداوم ارزش‌های بنا شده است. در این جهت، پیامبر‌گرامی اسلام نیز از تمام ظرفیت‌های موجود برای افزایش این الفت استفاده می‌کرد؛ از جمله: پرداخت زکات به قبایل مختلف، ازدواج با زنان از طبقه پایین جامعه عربی، تقسیم مسئولیت‌های حاکمیتی میان همه قبایل به تناسب تخصص و دانش آنها، بخشش و گذشت از خطای دیگران و... . ایشان در رفتار مستقیم با اصحاب، از راهکار شوخی و مزاح برای ایجاد محبت و نزدیک کردن قلوب افراد به یکدیگر، بهره می‌گرفتند؛ از این‌رو، می‌توان گفت که عام‌ترین کارکرد طنز و شوخی در سیره پیامبر‌گرامی اسلام، ایجاد الفت و محبت در قلب مخاطب است. این کارکرد، همچون چتری بر همه شوخی‌ها و بذله‌گویی‌های ایشان سایه افکنده بود و همه را به ایشان نزدیک‌تر می‌کرد.

ج) حوزه رفتار

۱. رشد فضایل اخلاقی

در رویکردی مثبت به طنز، می‌توان گفت که طنز در حالت آرمانی خود، حداقل حاوی یک ارزش اخلاقی و مذهبی است: پرهیز از خودمحوری و نوعی از

خودگذشتگی؛ از دغدغه‌های شخصی فراتر رفتن و درک منافع دیگران. در هنگام شوخی و طنز؛ درواقع، انسان با غلبه بر عواطف خودمحورانه خویش، کسب فضیلت می‌کند. امام صادق(ع) صحابی خویش را به شوخی و بذله‌گویی با یکدیگر تشویق و درحقیقت آنها را دعوت می‌کند که به هیجان‌ها، عواطف و نیازهای یکدیگر توجه کنند: امام جعفر صادق(ع) فرمود: «چگونه است مزاح کردن شما با یکدیگر؟ عرض کردم: کم است. فرمود: چنین نکنید؛ زیرا با یکدیگر مزاح کردن که از خوش خلقی است و به درستی که تو به واسطه آن، سرور و شادی را بر برادرت داخل می‌کنی و هر آینه رسول خدا(ص) با مرد مزاح می‌کرد و می‌خواست که او را شاد کند»^۱ (کلینی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۶۳).

توجه به هیجان‌ها و عواطف دیگران، موجب می‌شود انسان در روابط اجتماعی‌اش خودمحورانه عمل نکند؛ این روش، به مرور زمان و با تکرار به ملکه تبدیل می‌شود و به صورت فضیلت اخلاقی ایثار در رفتار با دیگران ظهور می‌یابد. در نگاه و مکتب الهی معصوم در نگاه مربی، یک شوخی ساده با مخاطب اثری عظیم دارد و می‌تواند موجب رشد فضایل اخلاقی در انسان شود. طنز و شوخی^۲ با دعوت انسان به دوری از عواطف خودمحورانه، فضایل دیگری همچون بردباری در هنگام خشم و پرهیز از تعصب‌های قومیتی و نژادی را شکوفا می‌سازد. تحلیل این مسئله مجال دیگری می‌طلبد که از حوصله این مقاله خارج است.

۲. ایجاد تعامل همسو و مؤثر

پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت بزرگوار ایشان، در مقام مربی انسان‌ها به منظور برقراری تعاملی دوستانه با اطرافیان و برای اینکه مخاطب، به دلیل مقام معنوی این بزرگواران از ارتباط با ایشان نهراسد، سعی می‌کردند فضای ارتباطی را به کمک شوخی و طنز تلطیف کنند؛ تا اولاً، از قداست‌زایی نابجا جلوگیری شود؛ ثانیاً، فضایی برای مخاطب ایجاد کنند تا بتواند در نهایت امنیت، سؤال یا خواسته خویش را مطرح کند.

این روش در سیره رسول گرامی اسلام نمود بیشتری دارد؛ ایشان با شوخی کردن با طیف‌های مختلف مردم؛ از قبیل کودکان، زنان، مردان و بازاریان، تعاملی دوسویه را با

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): كَيْفَ مَدَاعَبَهُ بَعْضِكُمْ بَعْضًا؟ قُلْتُ: قَلِيلٌ. قَالَ: فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمَدَاعِبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَإِنَّكَ لَتَدْخُلُ بِهَا السُّرُورَ عَلَى أَخِيكَ وَلَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يَسُرَّهُ.

۲. توجه دادن به این مسئله لازم است که طنز و شوخی با رعایت مرزهای اخلاقی می‌تواند چنین اثراتی را داشته باشد.

حفظ تمام شرایط و حریم‌ها، برای پیشبرد اهداف متعالی خویش ایجاد می‌کردند. در قرآن کریم، از این اخلاق رسول گرامی اسلام؛ یعنی رقت قلب و لطافت طبع در برخورد با دیگران (شوخی و طنز، از شیوه‌های بروز این لطافت طبع است) به صراحت به عنوان عامل موفقیت حضرت یاد شده است (آل‌عمران، ۱۵۹).^۱

در سیره رفتاری ایشان نیز این روش گزارش شده است: «زاهر، یکی از صحابی رسول گرامی اسلام بود که قبیح‌الوجه بود. روزی حضرت در بازار وقتی که او مشغول خرید و فروش بود، به وی رسید و از پشت، او را در آغوش گرفت. زاهر حضرت را نمی‌دید و نمی‌دانست چه کسی وی را در آغوش گرفته است؛ گفت: کیستی؟ مرا رها کن. آنگاه با گوشه چشم نگاه کرد و دانست که کیست؛ از برای تیمن و تبرک شانه خود را بر سینه حضرت چسباند. حضرت فرمود: کیست که این بنده را بخرد؟ زاهر گفت: والله مرا کاسد (بی‌ارزش) خواهی یافت! حضرت فرمود: تو در نزد حق تعالی کاسد نیستی (صفی، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

این نحوه تعامل را در کدام مکتب اخلاقی می‌توان یافت؟ در روابط انسانی، هنگامی که فردی با شخصیت والا در منظر عمومی، با روشی شوخ‌مآبانه، به فرد خاصی توجه ویژه کند. آن شخص، به گونه‌ای خود را دارای ارزش می‌یابد که دیگر ضعف‌های خود؛ مثلاً زشت‌رو بودن خویش را فراموش می‌کند و به خود می‌بالد که این‌گونه مورد توجه آن شخصیت والا قرار گرفته است. همین شوخی کوچک به انسان جرأت می‌دهد که خود را باور کند و نفس خویش را عزیز شمارد. شاید در این مسئله، همزادپنداری قدری به فهم ما کمک کند؛ فرض کنیم در موقعیتی مشابه، این شوخی را بزرگی مانند مرجعیت دینی با ما انجام دهد، چقدر در تعامل ما با ایشان و اثرپذیری از سخنان ایشان در ما مؤثر خواهد بود؛ در واقع، رسول گرامی اسلام با استفاده از شیوه مزاح، دیگران را وارد فرایند اثرپذیری خویش می‌کرد، بدون اینکه درهمی یا دیناری تبلیغات رسانه‌ای کرده باشد.

۳. اصلاح رفتار

در سیره نبوی در برخی موارد، برای آموزش رفتار صحیح، از شوخی و طنز استفاده

۱. فَمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَبِئْسَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ.

شده است؛ از باب نمونه، می‌توان به نحوه برخورد پیامبر با عمار در آموزش تیمم اشاره کرد: امام باقر(ع) فرمود: «رسول خدا(ص) روزی به عمار یاسر در سفری فرمود: ای عمار! به من خبر رسیده که تو جنب شده‌ای؛ چه کرده‌ای؟ عمار گفت: ای رسول خدا، در خاک غلطیدم. راوی گوید: آن حضرت به عمار فرمود: الاغ این‌گونه می‌غلطد. چرا چنین نکردی؟ سپس آن حضرت دستان خود را پایین آورد و بر زمین نهاد؛ بعد دو طرف پیشانی خود را با انگشتانش مسح فرمود و بعد هر یک از دو کف دست خود را بر پشت دست دیگر مالید و دیگر دست بر خاک نزد و به یک مرتبه اکتفا فرمود»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۱۵۹).

علامه مجلسی اشکال برخی بر مخدوش کردن شخصیت عمار یاسر را رد می‌کند و اقدام پیامبر گرامی اسلام در تشبیه کار وی به کار الاغ را از باب مطایبه و شوخی می‌شمارد (همان، ص ۱۶۰).

در موارد متعددی پیامبر گرامی اسلام از شوخی به عنوان ابزار توجه دادن مخاطب به خطای خویش استفاده کرده‌اند. برخی از این شوخی‌ها به قدری تأثیرگذار بوده که زندگی مخاطب را دگرگون کرده است: «نقل شده است روزی خوات بن جبیر در راه مکه با عده‌ای از زن‌های طایفه بنوکعب نشسته بود [و با آنها گفت و شنود می‌کرد]. اتفاقاً حضرت رسول(ص) از آنجا عبور کردند و به خوات فرمودند: چرا با زن‌ها نشسته‌ای؟ گفت: شتری دارم که سرکش است و مرتب فرار می‌کند؛ اینجا آمده‌ام تا این زن‌ها طنابی برایم بیافند تا شتر را با آن ببندم. پیامبر(ص) چیزی نفرمودند و رفتند؛ حضرت، بعد از انجام دادن کارشان بازگشتند و به خوات که هنوز آنجا بود، فرمودند: دیگر آن شتر چموش فرار نکرد؟ خوات می‌گوید: من خجالت کشیدم و چیزی نگفتم. بعد از آن واقعه، پیوسته از پیامبر(ص) فرار می‌کردم و سعی می‌کردم رو در روی ایشان قرار نگیرم؛ زیرا از برخورد با ایشان [که فهمیده بود آنچه گفتم بهانه‌ای بیش نبوده است] حیا داشتم؛ تا اینکه به مدینه آمدم. روزی در مسجد نماز می‌خواندم، دیدم رسول خدا آمدند و در کنار من نشستند. من نماز را طولانی کردم، پیامبر(ص) فرمودند:

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: أَتَى عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) إِنِّي أَجْنَبْتُ اللَّيْلَةَ فَلَمْ يَكُنْ مَعِيَ مَاءٌ قَالَ كَيْفَ صَنَعْتَ قَالَ طَرَحْتُ نَيْبِي وَ قُمْتُ عَلَى الصَّعِيدِ فَتَمَعَّكْتُ فِيهِ فَقَالَ هَكَذَا يَصْنَعُ الْجِمَارُ إِنَّمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَتَنَبَّهُوا صَعِيداً طَيِّباً فَضَرَبَ بِيَدَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ ثُمَّ ضَرَبَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى ثُمَّ مَسَحَ بِجَبِينِهِ ثُمَّ مَسَحَ كَفَّيْهِ كُلَّ وَاحِدَةٍ عَلَى الْأُخْرَى مَسَحَ بِالْيُسْرَى عَلَى الْيُمْنَى وَ بِالْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى.

نمازت را طولانی مکن که من در انتظارت هستم. چون از نماز فارغ شدم، به من فرمودند: آیا آن شتر چموش بعد از آن روز دیگر فرار نکرد؟ من خجالت کشیدم و ایشان از جا برخاستند.

روز دیگر پیامبر(ص) را دیدم، در حالی که روی الاغی نشسته و هر دو پایش را به یک طرف انداخته بود و از کوچه‌ای عبور می‌کرد؛ به من که رسید، فرمود: آیا دیگر آن شتر فرار نکرد؟ گفتم: به خدا قسم از روزی که مسلمان شدم، هرگز آن شتر فرار نکرده است. [و من خلاف به عرض شما رساندم] پیامبر(ص) فرمود: الله اکبر، الله اکبر! خدایا، خوات را هدایت فرما. پس از آن روز، او از مسلمانان واقعی شد و مورد هدایت قرار گرفت^۱ (طوسی، بی‌تا، ص ۴۴۳؛ فیض کاشانی، ۱۳۳۹ق، ج ۵، ص ۲۳۵).

پیامبر گرامی اسلام مانند یک طیب، صبورانه و با به‌کارگیری راهبرد مزاح، به دور از هزل‌گویی بی‌ثمر، گام به گام پیش رفته، خوات را متوجه رفتار غلطش می‌کند؛ به گونه‌ای که راوی، این برخورد پیامبر را آغاز تحول زندگی خوات دانسته و وی را بعد از این واقعه، از مؤمنان واقعی می‌شمارد. آنچه در این داستان و نمونه‌های دیگر سیره پیامبر گرامی اسلام مورد توجه است، استفاده از شوخی برای تربیت مخاطب است نه فقط مزاح بدون هیچ هدف متعالی.

نتیجه

شوخی و مزاح، یکی از الگوهای ارتباطی در سبک رفتاری اهل بیت(ع) با دیگران است. با رویکردی شناختی به کارکردهای شوخ‌طبعی در سیره اهل بیت(ع) و پیش‌فرض دوری ایشان از لغو و بیهودگی در تعامل با دیگران، مصداق‌های شوخ‌طبعی در زندگی ایشان و روایات مربوط به مزاح بررسی شد.

بر این اساس، شوخی و رفتار طنزآمیز معصوم بخشی از جلوه‌های رفتاری ایشان

۱. و كان خوات بن جبير جالسا الى نسوة من بني كعب بطريق مكة، فاطلع عليه رسول الله فقال: يا ابا عبد الله مالك مع النسوة؟ [قال:] يفتنن ضفيرا لجمال لي شروء. قال: فمضى رسول الله لحاجته، ثم طلع فقال: يا ابا عبد الله اما ترك ذاك الجمال الشراد بعد؟! قال: فسكت و استحييت. قال: فكنت بعد ذلك اتعزز منه و لما رأيت حياء منه حتى قدمت المدينة، و بعد ما قدمت المدينة، حتى طلع يومنا على و انا اصلى في المسجد، فجلس الي، فطولت، فقال: لا تطول فأنني انتظرک. فلما فرغت قال: يا ابا عبد الله، اما ترك ذاك الجمال الشراد بعد؟! قال: فسكت و استحييت، فقام، فكنت اتعزز منه حتى لحقني و هو على حمار و قد جعل رجله من شق واحد، فقال: يا ابا عبد الله اما ترك ذاك الشراد بعد؟! قال: فقلت: و الذي بعنك بالحق ما شرد منذ اسلمت. قال: الله اكبر! اللهم اهد ابا عبد الله! قال: فحسن اسلامه.

بوده که آگاهانه و براساس اهداف تربیتی در سه حوزه بینش و عقاید، گرایش و عواطف و همچنین تغییر رفتار صورت گرفته است. ایشان توجه ویژه‌ای به مراعات جوانب طنز و شوخی داشته و همواره در مورد لوازم اخلاقی و آسیب‌های آن متذکر شده‌اند. با بررسی و تحلیل محتوای رفتارهای طنزگونه و شوخ‌مآبانه معصوم(ع) این نتیجه حاصل شد که می‌توان کارکردهایی را برای طنز و شوخی منظور کرد که بخش عمده آن کارکردهای تربیتی و اخلاقی است. در این زمینه می‌توان تأثیر طنز در تغییر بینش و تفکرات افراد را به عنوان یکی از پایه‌ای‌ترین کارکردهای طنز دانست که زمینه ایجاد عواطف و تغییر در بعد گرایشی و رفتاری است. در بعد گرایشی و عاطفی القای خلق مثبت و تألیف قلوب از مصادیق آن است؛ درنهایت، نحوه برخورد پیامبر گرامی اسلام در آموزش تیمم به عمار یاسر، یا توجه دادن افراد به خطای اخلاقی‌شان در فرایندی طنزآلود، برقراری ارتباط همسو به منظور اثرگذاری در مخاطب و ایجاد الفت و محبت دوسویه در قلب مخاطب، از دیگر آثار رفتاری شوخ‌طبعی در سیره پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت(ع) است که اولیای الهی با استفاده از «راهبرد تلطیف‌بخشی مزاح» در رویارویی با دیگران، سعی کرده‌اند اهداف والای خویش را که همانا تربیت انسان‌هاست، دنبال کنند.

منابع

قرآن کریم.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، *تحف العقول*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

آرگایل، مایکل (۱۳۸۲)، *روان‌شناسی شادی*، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غررالحکم و دررالکلم*، قم: دارالکتاب اسلامی.

جزائری، نعمت الله بن عبدالله (۱۴۰۸ق)، *کشف الاسرار فی شرح الاستبصار*، قم: مؤسسه دارالکتاب.

جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، *تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی معنوی*، ج ۱۶، تهران: نشر اسلامی.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱)، *پژوهشی درباره طنز در شریعت و اخلاق*، قم: بوستان کتاب.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
حلبی، علی اصغر (۱۳۷۷)، *طنز و شوخ‌طبعی در ایران و اسلام*، تهران: انتشارات بهبهانی.
صفی، فخرالدین علی (۱۳۷۸)، *لطائف الطوائف*، تهران: اقبال.
طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

طوسی، نصیرالدین (بی تا)، *اخلاق محشومی*، تهران: انتشارات مؤسسه وعظ و تبلیغ اسلامی.
کاشانی، محسن (۱۳۳۹ق)، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، طهران: مکتب الصدوق.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۸ق)، *اصول کافی*، تهران: دارالکتب اسلامی.
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
موریل، جان (۱۳۹۲)، *فلسفه طنز*، تهران: نشر نی.

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).